

زن در ایران

زن در ایران، پیش ازین گوئی ایرانی نبود
پیشه‌اش ، جز تیره روزی و پریشانی نبود

زندگی و مرگش اندر کنج عزلت میگذشت
زن چه بود آنروزها ، گر زانکه زندانی نبود

کس چو زن ، اندر سیاهی قرنها منزل نکرد
کس چو زن، در معبد سالوس ، قربانی نبود

در عدالتخانه^۵ انصاف ، زن شاهد نداشت
در دبستان فضیلت ، زن دبستانی نبود

۵ - داد خواهی های زن میماند عمری بی جواب
آشکارا بود این بیداد ، پنهانی نبود

بس کسان را جامه و چوب شبانی بود، لیک
در نهاد جمله گرگی بود ، چوبانی نبود

از برای زن ، بمیدان فراخ زندگی
سرنوشت و قسمتی ، جز تنگ میدانی نبود

نور دانش را ز چشم زن نهان میداشتند
این ندانستن ، ز پستی و گرانجانی نبود

زن کجا بافنده میشد ، بی نخ و دوک هسر
خرمن و حاصل نبود ، آنجا که دهقانی نبود